

هندسه دو عنصر امنیت و عدالت در تمدن مهدوی

خدامراد سلیمیان^۱

امیرعباس خسروی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۱۳

چکیده

امنیت و عدالت از بنیادی‌ترین نیازهای انسان در زندگی است. از این رو برپایی امنیت و عدالت، نخستین چشم‌داشت انسان‌ها از حاکمان و نیز همواره شعار بسیاری از حکومت‌ها بوده و است. و نیز از برجسته‌ترین شاخصه‌های پیشرفت و تمدن به شمار می‌آید. هر سرزمینی که دو عنصر کلیدی امنیت و عدالت در آنها فراگیر نشده باشد، هرگز به تمدنی استوار و ماندگار دست نخواهد یافت. در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که نوید تمدنی جهانی بر پایه آموزه‌های وحیانی را دارد، نیز این دو اصل جایگاه ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که در بسیاری از روایاتی که درباره ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده به این نکته نیز اشاره شده است. به همین جهت است که عبارت «بملاً الارض قسطاً و عدلاً» برای کسی که کمترین مطالعه در زمینه آموزه‌های مهدوی را داشته باشد، عبارت آشنایی است. در این نوشتار با بهره‌مندی از سخنان معصومان علیهم السلام به نقش امنیت و عدالت در برپایی تمدن مهدوی پرداخته شده است که نتیجه استوار آن، نقش جدی این دو در شکل‌گیری و استمرار آن تمدن بزرگ اسلامی خواه بود.

واژگان کلیدی

تمدن مهدوی، امنیت، عدالت، مهدویت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (kh.salimian@isca.ac.ir).

۲. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) (17khosravi@gmail.com).

مقدمه

از پدیده‌های ناشایست جامعه بشری از آغاز تاکنون، ناامنی و بی‌عدالتی بوده و است. این ناامنی و ستمگری اما، همواره چهره‌های گوناگونی داشته، گاهی در ساده‌ترین گونه خود، و گاه دیگر در پیچیده‌ترین نمود، بروز و ظهور پیدا کرده است.

این ناامنی و بیداد هر روز که می‌گذرد اسباب نگرانی هرچه بیشتر را در زندگی انسان‌ها فراهم می‌کند و خداوند متعال در برابر، امنیت و عدالت را از صفات برجسته انسان‌های صالح معرفی کرده است.

خداوند در آیه ۵۵ سوره نور می‌فرماید:

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که بر ایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیم‌شان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هرکس پس از آن به کفر گراید، آنان اند که نافرمان‌اند.

این آیه که در شمار آیات مهدوی دانسته شده به روشنی یکی از آثار و برکات حکومت صالحان را به تعبیر «وَلَيَبْدِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ حَوْفِهِمْ أَمْنًا» رسیدن به امنیت پس از یک دوران ناامنی دانسته است.

در آن دوران امنیت جای ناامنی را خواهد گرفت؛ امنیت در همه ابعاد مادی و معنوی، و مکتب‌های مادی و لایبالی‌گری زوال خواهد یافت و جای خود را به اندیشه خداپرستی خواهد داد.

بی‌گمان امنیت، به معنای در امان بودن و اطمینان خاطر، از مقوله‌های بنیادین است که نیاز به آن در همه ابعاد زندگی بشری به گونه‌ای ملموس و مؤثر احساس می‌شود. آنچه نخست با شنیدن این واژه به ذهن می‌رسد امنیت دفاعی و نظامی است و در اصطلاح امروز جامعه‌ای که از نظر قدرت نظامی و دفاعی در درجه قابل قبولی باشد جامعه امن به شمار می‌آید. اما با نگاهی دقیق باید گفت امنیت یک جامعه ابعاد و مؤلفه‌های برجسته دیگری نیز دارد. از جمله: امنیت سیاسی، امنیت فرهنگی، امنیت قضائی و امنیت اقتصادی.

در یک جامعه متمدن امنیت با همه ابعاد آن وجود خواهد داشت. چراکه اگر در یک جامعه امنیت سیاسی وجود نداشته باشد و به عنوان مثال مردم آن جامعه قدرت نقد و اعتراض به

حاکمیت موجود را نداشته باشند و در صورت اعتراض به شدت محکوم شوند و یا امنیت اقتصادی وجود نداشته باشد و مهم ترین دغدغه مردم تأمین خوراک و پوشاک روزانه خود باشد نمی توان به پیشرفت و متمدن شدن آن جامعه امید داشت. به همین جهت است که امنیت در تمامی ابعاد آن از شاخصه های مهم تمدن اسلامی است.

برای نیل به امنیت و صلح در جهان «سازمان ملل» پی ریزی گردید، و پس از جنگ جهانی دوم، «شورای امنیت» پایه گذاری شد که به عنوان یکی از شعبه های مهم و برجسته سازمان ملل قرار گرفت. این دو نهاد از گذشته دور، در اقصی نقاط جهان، برای تحقق صلح جهانی و دست یابی به امنیت، کوشش هایی در سطح بین الملل مبذول داشتند. اما آیا صلح و امنیت جهانی محقق شد؟ هرگز. نه فقط هنوز صلح و امنیت به وقوع نپیوسته است، که بعید به نظر می رسد تحقق یابد. و نمونه بارز آن بحران های خاورمیانه، جنگ های پر شمار و مبارزات گوناگون است، که هنوز ادامه دارد و حتی روبه تشدید است. افزون بر این که جنگ سرد میان ابرقدرت ها، کودتاهای خونین نظامی، اعتصابات و جنگ های مسلحانه که در بسیاری از کشورها وجود دارد علیه صلح و امنیت هستند (المدرسی، ۱۳۸۲ ش: ۷۶).

به همین جهت برخی از صاحب نظران تحقق امنیت به صورت مطلق و فراگیر در جهان را غیرممکن می دانند چراکه بر این باورند امنیت مطلق برای یک کشور به معنی عدم امنیت مطلق برای دیگران است. و البته این نظریه با وجود اختلافات در عصر حاضر شاید درست باشد، اما در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که گسست های اجتماعی از میان رفته و همگی تحت رهبری ارزشی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دولت فراگیر ایشان زندگی خواهند کرد تحقق چنین امنیتی نیز ممکن خواهد بود. در این بخش به بررسی ابعاد و مؤلفه های عنصر امنیت در تمدن مهدوی و پس از آن عنصر عدالت، خواهیم پرداخت.

عنصر نخست: امنیت اقتصادی

برخورداری از یک اقتصاد قوی و پررونق به خودی خود یک مسئله امنیتی است. به همین جهت امنیت اقتصادی را می توان یکی از ابعاد مهم امنیت دانست.

برخی امنیت اقتصادی، را وضعیت با ثباتی از شرایط و ساختار فعلی، هم چنین افق معلوم و روشنی از آینده دانسته اند که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به طور بهینه می توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت بپردازند. (جمشید منصور قناعی، ۶۲)

امنیت اقتصادی از دغدغه‌های اساسی بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. چراکه بخش گسترده‌ای از مسائل هر کشور پیرامون رفاه و رونق اقتصادی است. عدم تأمین رفاه و ناتوانی در رفع مشکلات اقتصادی آسیب‌هایی فراوانی از جمله: دزدی، رشوه، کلاهبرداری، اختلاس، فساد و فحشاء و... را برای یک کشور به ارمغان خواهد آورد. به همین جهت دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که برپاکننده تمدن نوین اسلامی است برای رفع مشکلات و آسیب‌های ناشی از عدم امنیت اقتصادی در زمینه تأمین این امنیت فعالیت ویژه‌ای خواهد داشت. امنیت اقتصادی در تمدن مهدوی با فزونی اموال و بهبود وضعیت معیشتی مردم، کثرت نعمات و برکات زمینی و آسمانی، و کوتاه کردن دست دزدان و رشوه‌گیران به وقوع خواهد پیوست، همان طور که در روایتی امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

اموال دنیا از درون و بیرون زمین برای مهدی جمع می‌شود و به مردم می‌گوید: بیایید به آن چیزی که به خاطر آن قطع رحم می‌کردید و به ناحق خون می‌ریختید، و به خاطر او مرتکب حرام الهی می‌شدید، و (از آن مال) به (هر) کسی مقداری می‌دهد که به هیچ فردی قبل از او داده نشده است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۷).

در روایاتی چند به وفور نعمت و رفاه اقتصادی در عصر ظهور اشاره شده است. همان گونه که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در روایتی که شرایط امت اسلامی در عصر ظهور امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان می‌کند، می‌فرماید:

تُنْعَمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمُهَدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ، تُرْسِلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا، وَلَا تَدْعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنَ النَّبَاتِ إِلَّا أَخْرَجَتْهُ... (مروزی، ۱۴۲۳ق: ۲۵۴)

در زمان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امت من چنان از نعمت برخوردار می‌شوند که هرگز امتی آن چنان از نعمت برخوردار نشده باشد. آسمان باران رحمت خود را بر آنان پیوسته ببارد و زمین هر آن چه از رویدنی در خود دارد برویاند....

هم چنین در روایت دیگری می‌فرمایند:

وقتی مردی نزد مهدی می‌آید و از او تقاضای مال می‌کند ایشان لباس او را پر می‌کند به حدی که توانایی حمل آن را نخواهد داشت (ابن حنبل، ۱۴۰۹ق: ۵۹).

البته برجسته‌ترین اقدام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای ایجاد امنیت اقتصادی ارائه سبک زندگی صحیح و مدیریت فرهنگ اقتصادی از جمله گسترش فرهنگ قناعت در جامعه است.

امنیت سیاسی

امنیت سیاسی به معنای ایجاد آرامش و اطمینان توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان خویش در زمینه تهدیدات گوناگون خارجی، و همچنین وجود آزادی بیان برای مردم در راه ابراز نظرات و عقائد آنان است (رهبر، ۱۳۹۵ش: ۱۱۱).

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی درباره امنیت سیاسی می‌گوید:

امنیت سیاسی معنایش این است که تفکرات و معارف سیاسی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق و دوگونه‌گویی و دوگونه‌اندیشی باشد. معنایش این است که کسانی که متصدی بیان مسائل سیاسی برای مردم هستند، نسبت به مردم امانت به خرج دهند. (سیدعلی خامنه‌ای، دیدار پرسنل سپاه و بسیج در لشکر پنج نصر، ۱۳۷۸/۶/۱۰، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۶۵>)

در تمدن نوین مهدوی امنیت سیاسی به همه معانی آن به وقوع خواهد پیوست. دولتی که متکی به رهبری قدسی باشد شیوه صحیح حکومتداری را در پیش خواهد گرفت و بهترین سیاست را در عرصه‌های گوناگون به کار خواهد بست. در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بین مسئولین حکومتی و مردم ارتباط مستقیم و بی‌واسطه‌ای برقرار است و مردم نظرات و انتقادات خود را به راحتی و بدون هیچ ترسی به آنان انتقال می‌دهند. همان‌گونه که امام علی علیه السلام در توصیه‌های خویش به مالک اشتر می‌فرماید:

... برای کسانی که به دیدار تو نیاز دارند، زمانی را معین کن که شخص خود به سخنان ایشان گوش فراداری، و در مجلس عامی بنشینی، و در آن در برابر خدایی که تو را آفریده است تواضع کنی، و لشکریان و دستیاران و پاسداران خود را چنان دور کنی که صاحبان حاجت بدون احساس ترس و لرز و لکنت زبان با راحتی کامل بتوانند مطالب خود را بیان کنند، زیرا که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بارها شنیدم که می‌گفت: «امتی که ضعیف آن نتواند حق خویش را بی‌لکنت زبان از قوی بگیرد، قابل احترام نیست». سپس درشت‌گویی و ناتوانی آنان را در بیان مطلب خود تحمل کن، با تنگ‌خلقی و باد بینی با مردم رویه‌رو مشو... (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۴۲).

توصیه‌های امیرالمومنین علیه السلام در این کلام به مالک اشتر - با اهتمام به این نکته که مالک والی مصر بوده و توصیه‌های حضرت سفارش‌هایی در زمینه شیوه حکومت‌داری است - نشان‌دهنده روش مورد تأیید اسلام در زمینه‌های سیاسی است. در این روایت امام علی علیه السلام به روشنی به مالک می‌فرماید ارتباط مستقیم با مردم داشته باش و زمانی را برای ملاقات مردمی

تعیین کن که مردم بدون ترس از چیزی با امنیت کامل به تو سخن بگویند و مشکلات و انتقادات خود را بیان کنند. بی شک در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز که زمان برپایی تمدن نوین اسلام است این روش اجرا خواهد شد، و مردم بدون هیچ ترس و واهمه‌ای حرف‌های خویش را با حاکمان خواهند زد و به این معنی دارای امنیت سیاسی هستند. چنین ارتباطی بین حاکمان و مردم موجب می‌شود مردم به راحتی بتوانند مشکلات و شکایات خود را به گوش حاکمان برسانند و کسی جرأت ظلم و ستم پیدا نکند، در غیر این صورت کسی از ظلم و ستم به دیگری نمی‌هراسد و از هیچ مجازاتی بیم ندارد. و این موجب زیاد شدن ظلم و ستم در جامعه و از بین رفتن انسان‌های ضعیف خواهد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در کلامی ضمن توصیه‌هایی به والی بعد خودشان فرمود:

... وَلَمْ يَغْلِقْ بَابَهُ دُونَهُمْ فَيَأْكُلُ قَوِيَهُمْ ضَعِيفَهُمْ... (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۴۰۶):

(حاکم اسلامی) در خانه خود را به روی مردم نبندد، تا توانای ایشان ناتوان را بخورد.

طبق این روایت عدم ارتباط والی با مردم موجب از بین رفتن قشر ضعیف جامعه و مورد ظلم قرار گرفتن ایشان می‌شود. به همین جهت از توصیه‌های اصلی سیاسی به والیان و حاکمان مسلمان ارتباط مستقیم و با امنیت بین آنها و مردم است که این مهم در تمدن مهدوی به وقوع خواهد پیوست.

علاوه بر آن امنیت سیاسی به معنای اطمینان و آرامش مردم از نبود تهدیدات خارجی نیز در عصر ظهور محقق خواهد شد. حکومت واحدی در جهان شکل خواهد گرفت و در همه جهان هستی یک نفر حکومت خواهد کرد. چنین شرائطی نشان‌دهنده پایداری سیاسی و نبود حد و مرزهای حکومتی است. همان‌گونه که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵) بنابراین حکومت صالحان بر تمام زمین خواهد بود (الأرض) و این نشان از امنیت سیاسی و نبود تهدیدات خارجی است چراکه تمام هستی به دست یک نفر حکومت خواهد شد.

امنیت فرهنگی

تعریف‌های گوناگونی برای امنیت فرهنگی ارائه شده است، چراکه فرهنگ معنای واضح و مشخصی ندارد، فرهنگ به باورها، ارزش‌ها و هنجارهای موجود در اجتماع (یا فرد) گفته می‌شود. آنچه در این مقام از واژه «فرهنگ» مد نظر است، باورهای دینی و ارزش‌ها و

هنجارهای اخلاقی است. و منظور از امنیت فرهنگی «احساس ایمنی و نبود تهدید مؤثر علیه باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی است» (علیزاده، ۱۳۹۳ش: ۹۷).

در جامعه‌ای که امنیت فراگیر وجود دارد، هم جان و مال مردم آن از تعرض و تهدید در امان است و هم عقائد و باورهای آنان. چنین امنیتی از بایسته‌های بنیادین برای شکل‌گیری تمدن اسلامی است. چراکه نمی‌توان جامعه‌ای را در مسیر رسیدن به تمدن اسلامی دانست درحالی که مردم آن هر لحظه از تهدید جدید نسبت به هنجارهای دینی خویش هراس دارند و هر روز از مسئله ضدفرهنگی تازه‌ای ضربه می‌خورند.

در عصر حاضر حتی در کشورهای اسلامی نیز چنین امنیتی وجود ندارد. شاید برخی مسائل فرهنگی مورد اهمیت باشد اما نسبت به همان‌ها نیز امنیت فرهنگی برقرار نیست بلکه آنچه دیده می‌شود فرهنگ امنیتی است. به عنوان مثال اگر جامعه‌ای به مقوله حجاب اهمیت دهد و آن را الزامی بداند و با مخالفین و هنجارشکنان برخورد تند کند، نمی‌توان گفت آن جامعه دارای امنیت فرهنگی است، بلکه باید گفت آن مقوله فرهنگی در این کشور امنیتی شده و ماموران امنیتی به آن اهتمام دارند، که این به معنای فرهنگ امنیتی است، یعنی فرهنگی که با ماموران امنیتی حفظ شود و این با امنیت فرهنگی فاصله بسیار دارد.

آنچه در عصر ظهور و تمدن مهدوی شکل خواهد گرفت امنیت فرهنگی است، به این معنی که در اثر تعلیم و تربیتی که به دست حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه له و کارگزاران فرهنگی او محقق خواهد شد دیگر ترسی نسبت به خدشه دار شدن و از بین رفتن باورهای مذهبی و اخلاقی وجود نخواهد داشت. و این مصونیت در اثر فشار و وادار کردن حاکمیت نیست. بلکه در اثر تقویت باورهای دینی و رشد اخلاق و فرهنگ جامعه است.

همان‌گونه که امام صادق علیه السلام در مورد رشد اخلاق در دولت مهدوی می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَعَّ يَدُهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ (راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۲، ۸۴۰):

هنگامی که قائم ما قیام کند دستی بر سر بندگان می‌کشد که در اثر آن قوای فکری مردم متمرکز شده و اخلاق آنان کامل می‌شود.

در روایت دیگری نیز می‌فرماید:

هنگام ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه له خدا در زمین معصیت نشود و حدود الهی میان مردم اجرا گردد (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۴۷).

این روایات به روشنی اشاره به رشد فرهنگی و اخلاقی جامعه مسلمین در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه التَّوْبَةِ و امنیت فرهنگی موجود در آن دوران دارد. فرهنگی که در اثر تربیت انسانی و پرورش اخلاق در جامعه به رشد و نمو خواهد رسید و از هر آسیبی و تهدیدی در امان خواهد ماند. بدون این که فشاری از طرف حاکمیت برای حفظ آن وارد شود، البته مداخله‌های حکومتی و ستادهای مجری فرهنگی نیز وجود خواهد داشت اما اینها نگهدار فرهنگ نیستند بلکه مشکلاتی را که سرراه رشد فرهنگی قرار می‌گیرد از میان برمی‌دارند. و آنچه به باورهای دینی و اخلاقی امنیت می‌بخشد تربیت اخلاقی حاکم در جامعه است.

امنیت راه‌ها (اثر امنیت فرهنگی)

وجود امنیت فرهنگی در یک جامعه آثار و دنباله‌هایی دارد که یکی از برجسته‌ترین آنها ریشه‌کن شدن ناهنجاری‌هایی مانند: دزدی و قتل و غارت است، اگر مردم یک جامعه به رشد فرهنگی عالی رسیده باشند افعالی مانند: دزدی، چپاول مال مردم و قتل و غارت و مانند آن از آنها دیده نخواهد شد. چراکه دزدی در اثر ضعف اخلاقی یک فرد از او سرمی‌زند و در صورت تربیت درست انسان‌ها این ناهنجاری‌ها ریشه‌کن خواهد شد. به همین خاطر است که در روایاتی به امنیت راه‌ها و از بین رفتن دزدی و راه‌زنی در عصر ظهور اشاره شده است. امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

به خدا سوگند، یاران مهدی آن اندازه می‌جنگند تا خدا به یگانگی پرستیده شود و به او شرک نوزند و تا آن جا که پیرزنی سالخورده و ناتوان از این سوی جهان به آن سوی رهسپار شود و کسی متعرض او نشود (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ۶۱).

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز در کلامی می‌فرماید:

و لیتمن الله هذا الأمر حتى يسير الراكب من صنعاء إلى حضرموت لا يخاف إلا الله عزوجل (اریلی، ۱۴۲۱، ج ۲، ۱۲۲)؛

به یقین خداوند، این امر (دین خود) را به پایان می‌رساند؛ به گونه‌ای که شخص سواره در شب از صنعاء به حضرموت مسافرت می‌کند و جز خدا، از کسی ترس ندارد.

طبق این روایات دزدی و راه‌زنی به کلی از بین خواهد رفت و دیگر ترسی از وجود راه‌زن در بین مسیر وجود نخواهد داشت، و این مسئله گرچه تحت تأثیر امنیت نظامی نیز می‌باشد اما برجسته‌ترین عامل آن رشد اخلاق و فرهنگ در جامعه است که در اثر تربیت انسان‌ها و تعلیم

سبک درست زندگی توسط امام معصوم علیه السلام به وجود آمده است.

اما این که در این روایات به امنیت راه‌ها اشاره شده به این جهت است که در آن زمان مهم‌ترین نشانه امنیت اطمینان از نبودن دزد و راهزن در بین مسیر بوده است. و امنیت راه‌ها اشاره به امنیت فراگیری دارد که در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به وقوع خواهد پیوست.

امنیت قضایی

یکی از ابعاد امنیت مطلق در تمدن مهدوی امنیت قضایی است. در تعریف امنیت قضایی گفته‌اند:

امنیت قضایی یعنی عملکرد صحیح، به هنگام و بدون تبعیض سیستم قضایی جهت رسیدن به اهداف تعریف شده و اطمینان عمومی نسبت به این عملکرد (علینقی، ۱۳۷۹ش: ۵۷).

اصل بنیادین برای رسیدن به چنین امنیتی وجود دستگاه قضایی مطمئن است، و اطمینان به دستگاه قضایی در گرو اعتماد به دادرسی‌هایی است که با تکیه بر دانش درست و با بهره‌گیری از علم امام معصوم علیه السلام داوری کنند. قضاوتی که به دور از تبعیض و فساد و مطابق با حق باشد.

به همین جهت در عصر ظهور برای سرپرستی کرسی قضاوت از افرادی استفاده می‌شود که افزون بر تسلط کامل به مبانی اسلامی و فقهی، از نظر پیشینه نیز کم‌ترین ایراد و اشکالی بر آنان وارد نباشد. در روایات عصر ظهور به تسلط آنان به کارهای قضایی و پیشینه و ویژگی فردی آنان اشاره شده است (همان) همان‌گونه که در روایتی امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسش ابو بصیر مبنی بر این که آیا جز این گروه (سیصد و سیزده نفر) افراد دیگری در پشت کعبه نیستند؟ فرمودند:

آری، مؤمنان دیگری نیز هستند؛ ولی این گروه فقها، نخبگان، حاکمان و قاضیانی خواهند بود که پیش رو (سینه) و پشت سرشان را حضرت دست می‌گذارد و مسح می‌کند و در پی آن، هیچ قضاوتی بر آنان دشوار نخواهد بود (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۲۰۵).

۱۴۱

در مورد قضاوت خود حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف در عصر ظهور نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ حِكْمَ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيْتِهِ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيُحْكِمُ بَعْلِمِهِ (طبسی، ۱۳۸۶ش: ۲۴۷)؛

هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند، به حکم و قضاوت داود پیامبر، داوری می‌کند و

به گواه و برهان نیازی ندارد. خداوند (احکام الهی را) به او الهام می‌کند و او نیز برطبق دانش خود رفتار می‌نماید و برطبق آن قضاوت می‌کند.

در مورد این روایت نکته‌ای که شایسته توجه این است که در عصر ظهور امکان این که همه دادرسی‌ها توسط خود حضرت صورت پذیرد کمی دور از ذهن می‌نماید. به همین خاطر دو توجیه برای این روایت قابل ارائه است. اول این که خود حضرت به اسباب غیرعادی به قضاوت در مورد همه شکایات پردازد. دوم این که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قضاتی را منصوب نمایند تا ایشان از طرف حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف به همین روش قضاوت کنند. به نظر می‌رسد توجیه دوم به واقع نزدیک‌تر باشد با توجه به این که در روایت سابق آمده «یَمْسَحُ بَطُونَهُمْ وَظُهُورَهُمْ فَلَا يَشْكُلُ عَلَيْهِمْ حَكْمٌ» پیش رو (سینه) و پشت سرشان را حضرت دست می‌گذارد و مسح می‌کند و در پی آن، هیچ قضاوتی بر آنان دشوار نخواهد بود. می‌توان این دست گذاشتن را به معنای تلقین همان علم قضاوتی که نیاز به بینه نداشته باشد معنی کرد. با نکاتی که بیان شد می‌توان این دو روایت را مفسر یکدیگر دانست. روایت دوم مسح بطون و ظهور را معنی می‌کند و روایت اول نکته عدم امکان همه قضاوت‌ها توسط حضرت حجت را رفع می‌نماید.

بنابراین روایات در عصر ظهور نه فقط فسادی در دستگاه قضایی وجود نخواهد داشت (مفید، ۱۳۷۲ ش: ج ۲، ۳۸۶) بلکه از نظر علمی نیز ضعفی و کمبودی در رفع مشکلات و استنباط احکام دیده نمی‌شود. به همین جهت است که مردم احساس امنیت قضایی کرده و مطمئن خواهند بود حقی از آنان ضایع نخواهد شد چراکه نه فساد و رشوه‌ای بین قضات خواهد بود و نه حکمی به اشتباه خواهند داد.

عنصر دوم: فراگیری عدالت

بی‌تردید یکی از عناصر بایسته جهت شکل‌گیری تمدن در یک جامعه عنصر «عدالت» است. حکومتی که مبتنی بر ظلم و بی‌عدالتی باشد در معرض نابودی می‌باشد. و در مقابل عدل موجب استواری یک حکومت و رضایت جامعه از آن خواهد بود. همان‌گونه که امام علی علیه السلام فرمود:

ثَبَاتُ الدُّوْلِ بِإِقَامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش: ۳۴۰)؛

پایداری دولت‌ها در گرو برپایی آئین عدالت است.

این عنصر یکی از برجسته‌ترین اهداف بعثت پیامبران علیهم السلام الهی بوده «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا

بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيُقَومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ﴿حديد: ۲۵﴾ هدفی که در نهایت به صورت جهانی و گسترده به وسیله‌ی منجی بشریت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وقوع خواهد پیوست (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۷۹).

در مورد تحقق عدالت در عصر ظهور مطالب بسیاری بیان شده (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۶۷) و شاید کمتر کسی باشد که در مورد عدالت دولت مهدوی سخنی نشنیده باشد. به همین جهت در این نوشتار از بررسی تفصیلی اصل عدالت و زوایای آن صرف نظر شده و فقط مسئله فراگیری شاخصه عدالت که از مهم‌ترین شاخصه‌های تمدن مهدوی است مورد بررسی قرار گرفته است.

فراگیری عدالت در همه عرصه‌ها

واژه عدالت از واژه‌های پرکاربرد در بحث قیام جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. شهید مطهری در تعریف عدالت می‌گوید:

عدالت عبارت است از این‌که استحقاق و حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیتش به دست آورده است، به او داده شود و نقطه مقابل آن ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهد و یا از او بگیرد (مطهری، بی‌تا: ۲۵۹).

اما امیرالمؤمنین علیه السلام تعریف جامع‌تری برای عدالت بیان کرده‌اند، آن‌جا که در ضمن حکمتی در مورد عدل فرموده است:

الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا (نهج البلاغه: ۵۵۳)؛

عدالت، هرکاری را در جایگاه مناسب آن قرار می‌دهد.

به موجب این تعریف عدالت منحصر در حق و استحقاق بشر نیست بلکه همه امور را شامل می‌شود.

بنابر روایاتی که شرائط عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و وضع جامعه در دولت مهدوی را تبیین می‌کنند، عدالت در تمدن مهدوی عدالتی فراگیر و همه‌جانبه است و شامل عدالت اجتماعی در همه ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، و عدالت حقوقی و قضایی می‌شود. سخن در راستای گستره عدالت در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار است اما به جهت محدودیت موجود به اختصار به آنها اشاره می‌کنیم.

عدالت اجتماعی در بعد سیاسی به معنای توزیع عادلانه قدرت است، یا به تعبیر دقیق‌تر «توزیع عادلانه اختیارات و مناصب اجتماعی». در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن جهت

که هدف تقرب الهی و پیشرفت معنوی جامعه است منصب‌های اجتماعی به افرادی سپرده خواهد شد که دارای تقوا و تخصص بوده باشند، و جامعه را در مسیر رسیدن به اهداف عالی و معنوی آماده سازند.

بنابراین عدالت سیاسی به معنای نصب کارگزاران شایسته (به هدف رسیدن جامعه به قرب الهی و احیای دین) یکی از شئون عدالت اجتماعی در تمدن مهدوی است. همان‌گونه که امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» (حج: ۴۱) می‌فرماید:

وَهَذِهِ آيَةُ لآلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام إِلَى آخِرِ الْآيَةِ وَالْمُهْدِي وَأَصْحَابُهُ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَسَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا وَيُظهِرُ الدِّينَ وَيُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ الْبَاطِلَ (قی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۸۷)؛
این آیه در مورد محمد صلی الله علیه و آله، مهدی عجل الله تعالی فرجه و اصحابش است. خداوند شرق‌ها و غرب‌های زمین را در اختیار آنان می‌گذارد، او دین را آشکار می‌کند، خداوند به واسطه او و اصحابش بدعت‌ها و باطل‌ها را می‌میراند.

عدالت اجتماعی در بعد فرهنگی نیز به معنای توزیع عادلانه امکانات فرهنگی در یک جامعه است، به این معنی که آموزش و اطلاعات به صورت عادلانه بین همه مردم توزیع گردد. در تمدن مهدوی هدف از چنین عدالتی چیزی جز رشد فضائل و ارزش‌ها برای رسیدن به تقرب الهی نیست. در زمان حضرت، امکانات فرهنگی و آموزشی برای همه فراهم است و همه به مقتضای توانایی خود از دانش و معرفت بهره می‌برند و حکمت می‌آموزند تا در مسیر عبودیت و کسب فضائل اخلاقی قرارگیرند. در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که می‌فرماید:

...تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله (نعمانی، ۱۳۹۷: ق: ۲۳۹)؛
در دوران او، شما از حکمت برخوردار می‌شوید تا آن‌جا که زن در خانه خود با کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت می‌کند.

یعنی حکمت و دانش به اندازه‌ای بین همگان توزیع می‌گردد که زنی در خانه می‌تواند با استنباط شخصی خود بین دو نفر رفع خصومت کند.

اما بُعد اقتصادی عدالت اجتماعی، به معنای توزیع عادلانه ثروت و امکانات رفاهی بین افراد جامعه است که در فصل بعدی به آن پرداخته شده است.

یکی دیگر از گستره‌های عدالت در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه عدالت حقوقی و قضایی

است. در جای خود گفته شده که امنیت قضایی به معنی نصب حقوقدانها و دادرس‌های لایق و عالِم در کرسی قضاوت است. در پی وجود امنیت قضایی عدالت حقوقی و قضایی نیز محقق خواهد شد؛ به این معنی که حق هر صاحب حقی به او داده می‌شود و ظلم و تبعیض در دستگاه قضایی راه نخواهد یافت. همان‌گونه که امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در کلامی که توصیفات از حضرت حجت وَ رَحِمَهُ السَّلَام بیان می‌کنند، می‌فرمایند:

هُوَ الشَّمْسُ الظَّالِمَةُ مِنْ مَغْرِبِهَا يَظْهَرُ عِنْدَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ فَيَطْهَرُ الْأَرْضَ وَيَصْعُ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدًا (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۷۸)؛

او همان خورشیدی است که از مغرب طلوع خواهد کرد، در میان رکن و مقام ظاهر می‌شود؛ پس زمین را پاکیزه می‌سازد و ترازوی عدالت را می‌گستراند، دیگر کسی به کسی ستم نمی‌کند.

از مطالب بیان شده فراگیری عدالت در عصر ظهور روشن می‌شود. گستره این عدالت به اندازه‌ای است که طبق فرموده امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام «عدالت همچون سرما و گرما وارد خانه‌های مردم می‌شود» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۷). هنگامی که در همه‌ی خانواده‌ها عدالت اصل اساسی باشد، اجتماع نیز که از همین مردم و خانواده‌ها تشکیل یافته است دارای عدالت کامل و جامع خواهد شد.

عدالت جدای از این که خود هدف بزرگی است و از نیازهای بنیادین جامعه محسوب می‌شود. تأثیرات برجسته‌ای نیز در مسائل گوناگون خواهد گذاشت، جامعه‌ای که دارای عدالت فرهنگی و سیاسی باشد، انسان به درستی تربیت می‌شود و با آسایش و امنیت به تکلیف تن میدهد، همان‌گونه که امیرالمؤمنین در روایاتی اصلاح مردم «بالعدل تصلح الزّعیة» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ش: ۲۹۸) و احیای احکام «أعدل حياة الأحكام» (همان: ۳۲) را از اثرات عدالت در یک جامعه برمی‌شمارد. در چنین جامعه‌ای که عدالت قضایی نیز حکم فرماست مردم به مقررات و حقوق همگان احترام می‌گذارند و طبق کلام امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در پی چنین اتفاقاتی خداوند برکاتش را فزونی خواهد بخشید «بالعدل تتضاعف البركات» (همان: ۲۹۸) و چنین عدلی موجب آبادی شهرها خواهد شد «ما عمّرت البلدان بمثل العدل» (همان: ۶۸۸).

وجود عدالت با چنین گستره و چنین آثار مثبتی رضایت مردم از حاکمیت موجود را در پی خواهد داشت. به همین جهت است که در عصر ظهور مردم از دولت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام رضایت کامل دارند (اربلی، ۱۴۲۱ق: ج ۲، ۴۶۹) به اندازه‌ای که آرزو می‌کنند ای کاش مردگان

زنده بودند و چنین عدالت و روزگاری را می‌دیدند. همان‌گونه که نبی مکرم اسلام ﷺ در ضمن روایتی که به گسترش عدالت در عصر ظهور می‌پردازد به این نکته نیز اشاره داشته است (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ۱۰۴).

نتیجه‌گیری

بی‌گمان استقرار حکومت جهانی مهدوی، تثبیت و گسترش عدالت، صلح، امنیت و در نتیجه ریشه‌کنی جنگ‌ها، ستم‌ها، تبعیض‌ها، بی‌عدالتی‌ها، استثمارها و در پی آن تمدن مهدوی، از آثار و پیامدهای حتمی ظهور و تشکیل دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه است. در آن دولت همه ناامنی‌ها، بی‌عدالتی‌ها و شرّها، به خصوص کژی‌هایی که به وسیله حاکمان ستمگر، ثروت‌اندوزان فاسد و مستکبران کینه‌جو شیوع یافته، از بین خواهد رفت و فقط خوبی‌ها و نیکی‌ها باقی خواهد ماند و زمین از هر تجاوزگری، ناپاکی و ظلمی پاک خواهد شد و اساسی‌ترین عنصر در این حکومت و تمدن جهانی، امنیت و عدالت خواهد بود.

منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام النعمة*، قم: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۰۹ق)، *أحاديث المهدي عجل الله تعالی فرجه من مسند أحمد بن حنبل*، قم: مؤسسة النشر الاسلامیه.
 ۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، محقق و مصحح: علی‌اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
 ۴. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق)، *التشريف بالمنن فی التعريف بالفتن*، قم: مؤسسه فرهنگی صاحب‌الامر.
 ۵. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۲۱ق)، *كشف الغمة فی معرفة الأئمة*، قم: الشریف الرضی.
 ۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، *تصنيف غرر الحكم و درر الكلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۷. راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹ق)، *الخرائج والجرائح*، قم: مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه.

۸. رهبر، عباسعلی (۱۳۹۵ش)، «دولت و مدل امنیت سیاسی مطلوب در جامعه دینی»، *فصل نامه دولت پژوهی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵.
۹. طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۶ش)، *نشانه‌هایی از دولت موعود*، قم: بوستان کتاب.
۱۰. طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۴۱۱ق)، *کتاب الغیبه*، قم: مؤسسه معارف اسلامی، اول.
۱۱. علیزاده، سلیمان (۱۳۹۳ش)، «ابعاد و مؤلفه‌های امنیت فرهنگی از منظر امام خمینی رحمته‌الله علیه»، *پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی*، شماره ۱۰.
۱۲. علینقی، امیرحسین (۱۳۷۹ش)، «امنیت قضایی»، *فصل نامه مطالعات راهبردی*، شماره ۱۰.
۱۳. عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمية.
۱۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.
۱۵. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۱۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۱۷. المدرسی، عباس (۱۳۸۲ش)، *تمدن در عصر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه*، ترجمه: لطیف راشدی، قم: انتشارات حضور.
۱۸. مروزی، نعیم بن حماد (۱۴۲۳ق)، *الفتن*، تحقیق: مجدی بن منصور شوری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۹. مطهری، مرتضی (بی تا)، *سیری در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام*، قم: انتشارات صدرا.
۲۰. مفید، محمدبن محمد (۱۳۷۲ش)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، بی جا: دارالمفید.
۲۱. منصور قناعی، جمشید (۱۳۸۹ش)، *فصل نامه پژوهشی تحلیلی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز*، شماره ۱۲.
۲۲. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: مکتبه الصدوق.

23. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۲۹۶۵>